

ج - در آخر افعال بجای مفعول می نشینند و باصطلاح حالت مفعولی دارد مانند: دادش و گفتش یعنی داد آنرا و گفت او را.

د - در آخر اسماء حالت اضافی دارد یعنی جانشین مضاف الیه میباشد مانند: اسبش - پسرش - کتابش. در اینموارد نیز رعایت قافیه را باید قبل از شین نمود. در «ش» های اصل مانند خوش، ناخوش اگر مقصود نفی و اثبات باشد قافیه نشود و اگر مقصود از ناخوش بوفق اصطلاح امروزه بیمار باشد باخوش قافیه توان کرد، (ورنه نشاید).

همچنین هوش و بیهوش اگر منظور از بیهوش بیعقل باشد باهم نمیتوان قافیه کرد و اگر بمعنی کسیکه حال اغماء باو دست داده باشد قافیه میتوان ساخت. خویش بمعنی خود و بمعنی منسوب یا هم قافیه تواند شد. بیش و کم و بیش بواسطه تکرار معنی قافیه نشود و همچنین است کلیه (ش) های اصلی که تابع این قاعده کلی میباشد در صورت توافق معنی قبل از شین باید رعایت قافیه شود و در صورت اختلاف معنی رعایت قافیه قبل از شین لازم نمیباشد چنانکه کمال اصفهانی گفته است:

ای ز رابت ملك و دین در نازش و در پرورش

ای شهنشاہ فریدون فر اسکندر منش

تیغ و حکمت آفتاب گرم ز پرورش کسندن مطالعات فرنگی

طاق عزمت آورد خاک زمین را در روش

مقتبس از شعله رابت شعاع آفتاب رتالی علم علوم اسلامی

مستعار از نغمة خلقت نسیم خوش دمش

بر سر آمد گوهر تیغ نو در روزنبرد بر سر آید هر که را زان دست باشد پرورش

در این ابیات واژه های منش با، خوش دمش و پرورش باعتبار معنی مخصوص بخود قافیه شده اند زیرا هر يك معنی مستقلی را دارا میباشد و شاعر نیز بدین اعراض آنها را باهم قافیه کرده است و اینکار شباهتی با قافیه کردن «نون» مصدری ندارد که مطلقاً جائز نیست و جز در این منظور قافیه کردن شین مصدری با شینهای اصلی

در هر قصیده یکبار بیشتر جائز نباشد، چنانکه انوری گفته است :

و ز بزد کی ز آسمان در یش	ای نهان کشته در بزرگی خویش
آشکار و نهان ز تابش خویش	آفتاب اینچنین بود که توئی
وز نظیر تو آسمان درویش	ای توانگر ز تو بسیط زمین
مربعی از هزار عیسی پیش	شاد باش ای بمعجزات کرم
مختصر نیست تا توئی معنیش	تا نکوئی که شعر مختصر است

که در این ابیات فقط «شین» ضمیر (معنیش) باشینهای اصلی قافیه شده است.

« ص - ض - ط - ظ - ع - ق »

در فارسی نیست و اگر در اشعار فارسی واژه‌های عربی از این جنس قافیه شود البته در

سورنی با هم قافیه میشوند که اگر در حرف ماقبل قافیه اختلاف باشد در معنی هم اختلاف باشد.



حرف زائد ندارد .

حرف زائد ندارد .

۱ - حرف تصغیر مانند مردك - زنك - دخترك و پسرک رعایت قافیه قبل از

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

« ك » لازمست .

۲ - علامت صفت ناك ( ناك ارك ) و كه در اواخر اسامی معنی نعت میدهد

مانند اندوهناك ، غمناك ، فرحناك ( غم و فرح عربی است ولی بانضمام « ناك » صورت فارسی گرفته ) هولناك و سهمناك .

( ك )

۱ - « ك » که بجای « های غیر ملفوظ در آخر کلمه می آید مانند بنده -

بندگان - دایه - دایگان ، زنده - زندگان ، مرده - مردگان و همچنین بندگی ، دایگی زندگی ، مردگی رعایت قافیه قبل از « ك » لازمست .

کاف و کاف را مانند کرک و کرک - کک و سک با هم نمیتوان قافیه کرد .